

Causes, Contexts and Intervening Factors of Socio-Cultural Barriers of Underdevelopment with Emphasis on the Target Community of the Relief Committee in the East of Hormozgan Province

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Ehsan Ahmadi Sarkhuni¹,
Mohammadali Chit Saz^{2*},
Nabiallah Ider³

How to cite this article

Ehsan Ahmadi Sarkhuni, Mohammadali Chit Saz, Nabiallah Ider, Causes, Contexts and Intervening Factors of Socio-Cultural Barriers of Underdevelopment with Emphasis on the Target Community of the Relief Committee in the East of Hormozgan Province, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 2022:5(4): 629-640.

1. PhD student, Department of Sociology, Dahafan Branch, Islamic Azad University, Dahagan, Iran.
2. Associate Professor, Department of Sociology, Dahafan Branch, Islamic Azad University, Dahagan, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Sociology, Shushtar Branch, Islamic Azad University, Shushtar, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: mad3175@yahoo.com

Article History

Received: 2021/09/23

Accepted: 2022/02/19

ABSTRACT

Purpose: Today, underdevelopment is affected by various causes, among which cultural values and social norms can play as an obstacle in regional development. The current research was conducted with the aim of investigating the causes, contexts and intervening factors of social-cultural barriers of underdevelopment with an emphasis on the target community of the relief committee in the east of Hormozgan province.

Materials and Methods: The method of the present research was qualitative and was carried out with the technique of qualitative content analysis. The participants of the qualitative part were all managers and executive elites of supporting institutions, including the Imam Khomeini Relief Committee (RA) and the Welfare Organization, and scientific experts (including university professors and researchers) as well as local influential people in the east of Hormozgan province, which was conducted through snowball sampling after 17 interviews. The researcher reached data saturation. The data collection tool was a semi-structured interview. The method of data analysis was open, central and selective triple coding.

Findings: The results showed; Factors such as the institutionalization of traditional and ethnic-oriented culture, unsupervised and unmet need assessment credits, neglect of land use as some of the causes; Predominance of traditional-religious culture resistant to change, class and hierarchical structure, lack of self-reliance culture as some areas and continuation of cultural poverty, traditionalism and bigotry and lack of localism and specialization as some of the intervening conditions as socio-cultural obstacles of underdevelopment of the region were investigated.

Conclusion: Based on the results obtained, it should be said that in the studied area, despite the destruction of the Khan class, the decline of the chief class after the victory of the Islamic Revolution and the consequent gradual weakening of the caste system, this system and its traditional and superstitious values are inherent in the minds of the committee's clients. There is relief and shelter.

Keywords: Development, Underdevelopment, Development Values, Socio-Cultural Barriers to Development.

علل، زمینه‌ها و عوامل مداخله‌گر موانع اجتماعی -

فرهنگی توسعه‌نیافتگی با تأکید بر جامعه هدف

کمیتة امداد در شرق استان هرمزگان

احسان احمدی سرخونی^۱

دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

محمدعلی چیت‌ساز^{۲*}

دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول).

نمی‌الله ایدر^۳

استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

چکیده

هدف: امروزه توسعه‌نیافتگی متأثر از علل مختلفی است که در این بین ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی می‌توانند به‌عنوان مانع در توسعه منطقه‌ای بازی کنند. پژوهش حاضر باهدف بررسی علل، زمینه‌ها و عوامل مداخله‌گر موانع فرهنگی - اجتماعی توسعه‌نیافتگی با تأکید بر جامعه هدف کمیتة امداد در شرق استان هرمزگان انجام گردید.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش حاضر از نوع کیفی و با تکنیک تحلیل محتوای کیفی انجام شد. مشارکت‌کنندگان بخش کیفی کلیه مدیران و نخبگان اجرائی نهادهای حمایتی از جمله کمیتة امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی و خبرگان علمی (شامل اساتید دانشگاه و پژوهشگران) و نیز افراد متنفذ محلی شرق استان هرمزگان بود، که با نمونه‌گیری گلوله برفی بعد از ۱۷ مصاحبه محقق به اشباع داده‌ها رسید. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز کدگذاری سه‌گانه باز، محوری و انتخابی بود.

یافته‌ها: نتایج نشان داد؛ عواملی نظیر نهادینگی فرهنگ سنتی و قوم-محور، اعتبارات بدون نظارت و بدون نیازسنجی، بی‌توجهی به آمایش سرزمینی به‌عنوان برخی از علل؛ غلبه فرهنگ سنتی-مذهبی مقاوم در برابر تغییر، ساختار طبقاتی و سلسله‌مراتبی، نبود فرهنگ خوداتکائی به‌عنوان برخی از زمینه‌ها و استمرار فقر فرهنگی، سنت-گرایی و تعصب‌گرایی و عدم بومی‌گرایی و تخصص‌گرایی به‌عنوان برخی از شرایط مداخله‌گر به‌عنوان موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه‌نیافتگی منطقه موردتحقیق بودند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به‌دست‌آمده باید گفت که در منطقه مورد مطالعه علی‌رغم از بین رفتن طبقه خان، اضمحلال طبقه رئیس پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌تبع آن تضعیف تدریجی نظام

کاستی، این نظام و ارزش‌های سنتی و خرافی آن به‌طور ذاتی در اذهان مددجویان کمیتة امداد و سکنه محدوده وجود دارد.

کلمات کلیدی: توسعه‌نیافتگی، توسعه‌نیافتگی، ارزش‌های توسعه‌ای، موانع اجتماعی - فرهنگی توسعه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

* نویسنده مسئول: mad3175@yahoo.com

مقدمه

توسعه یک مفهوم مادی و ذهنی و یک جریان و یا فرآیند روبه‌جلو و در جهت پیشرفت جوامع است که برخوردار از ابعاد متنوع اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، سیاسی و تکنولوژیکی است. توسعه‌نیافتگی امری تاریخی و تاریخ‌زاد است. به‌عبارت‌دیگر توسعه‌نیافتگی در بستر و روندی تاریخی صورت گرفته است (۱). منطقه یا کشور توسعه‌نیافته کشوری است که هیچ علامت توسعه‌یافتگی در آن به چشم نمی‌خورد، درحالی‌که یک کشور کمتر توسعه‌یافته عبارت است از اینکه ظرفیت بالقوه برای توسعه وجود دارد، ولی یا از آن استفاده‌نشده و یا اینکه به‌صورت ناقص از آن استفاده‌شده است. در مناطق مختلف کشورها نیز توسعه‌نیافتگی به انواع مختلف وجود دارد اما توسعه‌نیافتگی در کشورها یا مناطق درحال توسعه تفاوت عمده‌ای با کشورهای توسعه‌یافته دارد (۲). در این کشورها، ارزش‌ها، هنجارها و عوامل فرهنگی اجتماعی مانع توسعه است؛ بسیاری از رسوم، سنن و آداب قدیمی همچنان مانع پذیرش نوآوری یا فناوری هستند و به علت نفوذ طایفه، قبیله یا بزرگان فامیل برخی از مظاهر مدرنیته موردقبول واقع نمی‌شود. در بسیاری از موارد نیز نوآوری و فناوری واردشده به این مناطق چندان با ویژگی‌های و فرهنگ آن‌ها سازگار نیست بنابراین نوعی تضاد بین فرهنگ و فناوری پیش می‌آید. اما در برخی از مناطق مداخلات توسعه‌ای صورت گرفته ولی بازهم چرخه‌ای از توسعه‌نیافتگی همچنان دیده می‌شود؛ محققان معتقدند در این موارد به علت حضور بیش‌ازحد دولت یا کارگزاران خارجی و وابستگی مردم به آن‌ها از یک‌سو، نداشتن مهارت‌های لازم، نبود مراکز آموزش کارآفرینی و نیز نبود فرهنگ پذیرش تغییر و نوآوری از جمله توسعه‌نیافتگی این مناطق است (۳). دقت در موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه حاکی از آن است که در جوامع یا مناطقی که سطح سرمایه اجتماعی، انسجام و مشارکت اجتماعی کم است مردم محلی چندان در فرایندهای توسعه‌ای شرکت نمی‌کنند و حتی به‌رغم حمایت نهادهای دولتی یا توانمندشدن شان، جامعه محلی چندان توسعه نمی‌یابد چراکه ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی مانع توسعه می‌شوند؛ بدین معنی که در این جوامع طایفه‌گرایی، تعصب قومی، یا رفتارهایی نظیر پنهان‌کاری، بدبینی موجب شده تا اجتماع محلی نسبت به همدیگر تعلق گروهی نداشته باشند و هر بخشی از جامعه به‌صورت سرخود عمل نماید (۴). از دیگر سو باید دقت نمود که احساس تبعیض یا محرومیت نسبی که در جوامع محلی توسعه‌نیافته وجود دارد الگوهای کنش اجتماعی آن‌ها را بیشتر به سمت ایجاد مانع یا ضدیت

ساکنان منطقه شرق هرمزگان و به‌ویژه بشاگرد را تشکیل می‌دهند نوعی وابستگی به کمک‌های دولتی یا سازمان‌های غیردولتی را همچنان دارند و فرهنگ منطقه بیشتر به سمت رکود و پساافتادگی رفته است به طوری که ارزش‌های حاکم بر منطقه گویای این موضوع است که مردم محلی و به‌ویژه مددجویان کمیته امداد دیگر ارزشی برای کمک‌های رایگان قائل نیستند اما به علت وابستگی مجبور به گرفتن آن هستند. از دیگر سو، سنت‌های حاکم بر منطقه نیز تغییر را چندان قبول ندارد؛ به‌عنوان مثال در منطقه مدارس متعددی احداث شده است؛ اما آموزش تغییری در الگوهای رفتاری و سنت‌های آن به‌رغم گذشته ۴۰ سال از انقلاب ایجاد نکرده است. نکته مهم این‌که به نظر می‌رسد مداخلات بیش‌ازحد و بی‌رویه ارگان‌های بیرونی سبب شده که مردم رغبتی به برعهده گرفتن کارهای خود نداشته باشند.

بنابراین پژوهش حاضر از این جنبه دارای اهمیت است که نگارنده بتواند به شناختی عمیق از موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه‌نیافتگی منطقه شرق هرمزگان برسد. بر همین اساس بررسی این موضوع که در طول این ۴۰ سال چه اقدامات و تغییرات مداخله‌جویانه یا طبیعی در منطقه روی داده است که همچنان توسعه‌نیافتگی را در مدار تقویت و حتی تشدید قرار داده است حائز اهمیت است. اینجاست که پژوهشگر با دیدی تحلیل و جامعه‌شناختی درصدد تبیین به شیوه فرهنگی-اجتماعی برمی‌آید. در بُعد دوم اهمیت پژوهش حاضر را می‌توان در این موضوع مطرح کرد که چقدر از منظر جامعه هدفی نظیر کمیته امداد یا ساکنان منطقه کمک‌ها و حمایتی‌های دولتی در توانمندسازی جامعه محلی، تغییرات اجتماعی-فرهنگی مؤثر بوده است؟ به نظر می‌رسد این موضوع که تا چه میزان کمک‌ها مؤثر بوده، دارای اهمیت است آن‌هم از زبان خود گیرندگان کمک‌ها و ساکنان محلی که تجربه زیسته در این زمینه دارند. بنابراین اهمیت تحقیق را بیشتر در ابعاد عملیاتی و اقداماتی دانست که انجام شده اما منجر به توسعه‌یافتگی مطلوب یا واقعی نشده است. باید افزود که شرق استان هرمزگان اغلب از مددجویان کمیته امداد هستند و به نظر می‌رسد وابستگی بیش‌ازحد به خدمات و کمک‌های دولتی به همراه زن بودن سرپرستان خانوار میزان ریسک‌پذیری در آن‌ها را پائین آورده است همین موضوع سبب شده که این فرض مطرح شود که کمک‌های نهادهای حمایتی نظیر کمیته امداد می‌تواند فرهنگ وابستگی، سنت‌گرایی و محلی‌گرایی را تشویق نماید و در این منطقه هم‌افزایی کمک‌های دولتی و سنت‌های درون قومی موانع فرهنگی-اجتماعی در راه دستیابی به توسعه را بازتولید و تقویت کرده است. بر همین اساس پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است؛ موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه‌نیافتگی با تأکید بر جامعه هدف کمیته امداد در شرق استان هرمزگان کدام است؟

مرور مفهومی و پیشینه نظری پژوهش توسعه^۱ در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است. توسعه، تغییر هدف‌دار

با برنامه‌های توسعه‌ای سوق می‌دهد می‌کند که به‌صورت مداخله‌ای یا از بیرون وارد شده بر آن‌ها تحمیل می‌شود (۵).

در بیان سایر موانع اجتماعی- فرهنگی توسعه‌نیافتگی باید گفت اساساً جوامعی که بیشتر بر سنت‌ها متکی هستند مرجع کنش‌هایشان سنت‌ها یا افراد متنفذ هستند که نوعی فرهنگ جمع‌گرایی را بر آن‌ها تحمیل کرده است همین موضوع سبب می‌شود که در این جوامع با کنش‌های اجتماعی هماهنگ مخالف توسعه روبرو شویم؛ به‌عنوان نمونه عدم پذیرش فناوری جدید به‌عنوان تهدید از سوی ریش‌سفید یا بزرگ یک طایفه مانعی بزرگ بر ورود فناوری به منطقه است همین موضوع سبب می‌شود که الگوهای رفتاری ساکنان آن منطقه با نوعی بدبینی به فناوری جدید رشد نماید که در نهایت موجب نهادینه شدن و بازتولید این بدبینی در نسل‌های آینده می‌شود (۶). همچنین در این جوامع حقوق زنان به‌عنوان نیمی از قشر جمعیت به رسمیت شناخته نمی‌شود و آزادی‌های فردی مورداحترام نیست از همین رو مشاهده می‌شود زمانی که حتی کمک‌های دولتی برای خانوارهای با سرپرست زن در نظر گرفته می‌شود یک مرد نیز به‌عنوان قیم آن تعیین می‌شود و اساساً این نوعی هماهنگی بین حاکمیت و سنت‌های محلی برای نادیده گرفتن حقوق اقشاری مانند زنان است بنابراین باید دقت نمود در گروه‌های هدف خاصی نظیر مددجویان کمیته امداد یا بهزیستی اساساً ماهیت و نوع کمک‌ها در برخی از موارد می‌تواند الگوهای فرهنگ توسعه‌نیافتگی و وابستگی را تقویت نماید که برای طرفین دارای کارکردهای اساسی است (۷).

همین وضعیت در یکی از مناطق اصلی خدمات‌رسانی کمیته امداد به‌وضوح مشاهده می‌شود؛ منطقه بشاگرد در جنوب شرقی استان هرمزگان جزو مناطقی است که به‌رغم خدمات‌رسانی کمیته امداد از سال ۱۳۶۰ تا به حال و به‌رغم توسعه فیزیکی برخی از اماکن همچنان از توسعه‌نیافتگی رنج می‌برد. در جنوب شرقی استان هرمزگان ۷۰ درصد روستانشین هستند و با کمبود شدید منابع و امکانات سنتی مبتنی بر کشاورزی و صید و مشکلات این بخش مواجه هستند به طوری که آمار طلاق در برخی از شهرستان‌های این بخش نزدیک به صفر است (البته در این نقاط دفتر ثبت طلاق وجود ندارد)؛ اما در عین حال بیشترین میزان زنان سرپرست خانوار را دارد و اغلب هم تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار دارند، به طوری که در بشاگرد به‌عنوان یکی از شهرهای شرق استان ۱۹,۳ درصد از سرپرستان خانوار زنان که بیشترین تعداد در استان است. واقعیت‌های موجود منطقه نشان می‌دهد کم‌آبی، ارتفاع داشتن بشاگرد، سختی دسترسی این شهرستان به شهرهای اطراف، کوهستانی و سخت گذر بودن و تفکرات و فرهنگ حاکم بر این منطقه از دیگر مشکلات اساسی است که موجب شده بشاگرد در کشور محروم شناخته شود. از منظر جامعه‌شناختی باید گفت بسیاری از کمک‌های کمیته امداد و فعالیت‌های رایگان گروه‌های جهادی و نهادهای مردمی در بشاگرد (در قالب تغذیه، درمان و ...) باعث شده است که فکر محرومیت و محروم بودن منطقه در ذهن مردم همچنان زنده باشد و به‌ویژه مددجویان کمیته امداد که اکثریت

^۱.Development

زیرا، پس از جنگ جهانی دوم، به‌طور ناگهانی فقر در مقیاس جمعی در این مناطق توسعه‌نیافته جهان شناسایی شده بود (۱۲). استوا معتقد است: "در آن روز دو میلیارد نفر توسعه‌نیافته‌اند." بیش از نیمی از ملل جهان بر اساس آنچه در آن وجود نداشت، طبقه‌بندی شدند. گفتمان توسعه محور و هاله تخصص آن اغلب توسعه را با رشد اقتصادی در هم می‌آمیزد. هنگامی که جهان صنعتی شروع به طبقه‌بندی کشورها بر اساس وضعیت اقتصادی آن‌ها کرد، مسئله توسعه‌نیافتگی را به یک مشکل اقتصادی محدود کرد. در نتیجه، راه‌حل‌های ارائه‌شده توسط کارشناسان و متخصصان توسعه کاملاً اقتصادی بود؛ در حالی که به زمینه‌های "توسعه‌نیافتگی" نظیر زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و میراث استعماری و جنگ سر توجیهی نشد. توسعه‌نیافتگی را در عین حال می‌توان پدیده‌ای دانست که هم‌زمان با گسترش استعمار در ملل جهان سوم، توسط کشورهای پیشرفته صنعتی معاصر پا به عرصه وجود گذاشت. توسعه‌نیافتگی را نمی‌توان به‌منزله مرحله‌ای از توسعه توصیف کرد؛ چون روندی است که در تاریخ روابط اقتصادی کشورهای صنعتی و جوامع سنتی پیداشده است و پیش از توسعه سرمایه‌داری و استعمار، توسعه‌نیافتگی و توسعه‌یافتگی وجود نداشت؛ بلکه جوامع در مرحله‌ای از کم توسعه‌گی قرار داشتند. توسعه‌نیافتگی از دو قرن پیش آغاز شده، اما تنها پس از جنگ جهانی دوم توجه محافل رسمی بین‌المللی و جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است (۱۳).

یکی از اصلی‌ترین مباحثی که در توسعه مطرح است این است که حتی اگر زمینه‌های مادی توسعه برقرار شود لیکن ارزش‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی مناطق یا جوامع تغییر نکند، عملاً توسعه‌نیافتگی همچنان باقی خواهد ماند. ارزش‌های اجتماعی، در حقیقت، مفاهیمی هستند که برای افراد یک جامعه معین با ارزش و مقبول می‌باشند. اما از دید ویلیامز، ارزش‌ها به‌عنوان معیاری برای قضاوت یا شناخت پیشنهاد می‌شود که از عقاید جدا هستند؛ او معتقد است ارزش‌ها هم اجزای احساسی و هم مؤلفه‌های شناختی دارند. در ارزش‌های فرهنگی موافق یا مخالف توسعه نیز باید به مطالعات شوارتز اشاره کرد. بر طبق مطالعات شوارتز، بُعد محافظه‌کاری به‌احتمال زیاد در جوامع مبتنی بر روابط هماهنگ و نزدیک بسیار مهم است که در آن منافع شخصی متمایز از منافع گروهی نیست. بُعد محافظه‌کاری ارزش‌های فرهنگی بر حفظ وضع موجود، مراعات آداب و نزاکت و اجتناب از اقداماتی است که ممکن است روابط سنتی را بر هم زند، متمرکز است. ابعاد محافظه‌کاری ارزش‌های فرهنگی باید درونی سازی ارزش‌ها و هنجارهای بازار محور را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار دهد. زیرا فرهنگ‌های بسیار محافظه‌کار در درجه اول در ارتباط با حفظ نظم اجتماعی، امنیت، احترام به سنت‌ها، هستند. به‌این ترتیب ارزش‌ها و هنجارهایی مثل نوآوری و انعطاف‌پذیری، کمتر احتمال دارد که مورد قبول واقع گردند. زیرا آن‌ها کمتر سازگار با ارزش‌ها و نرُم‌هایی هستند که در فرهنگ غالب هستند. بُعد دوم و سوم فرهنگی شوارتز (استقلال فکری و عاطفی) مرتبط با استقلال هستند، شوارتز استقلال فکری را

برای حصول به هدفی خاص است. جامعه به‌مثابه فرد، مراحل گوناگونی از رشد و تکامل را طی می‌کند تا به حد مشخصی از بلوغ فیزیکی و فکری برسد. در تعریفی دیگر، توسعه عبارت است از یک تحول تاریخی در جمیع جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه (۸). در واقع، توسعه به‌عنوان فرایندی چندبعدی، که همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را پوشش می‌دهد، نشان‌دهنده یک حالت است؛ یعنی شرایطی که جامعه به‌طور کیفی از امکانات کمی خویش، در جهت آرمانی که برای خودش قائل است، به‌طور همه‌جانبه استفاده می‌کند (۹). "مایکل تودارو" در بیان ذواباد بودن توسعه، این پدیده را جریانی چندبعدی می‌داند؛ که مستلزم تجدید سازمان و جهت‌گیری مجموعه نظام اجتماعی و اقتصادی کشور است و علاوه بر بهبود وضع درآمد‌ها و تولید آشکار، متضمن تغییرات بنیادی در ساخت‌های اجتماعی، نهادی و اداری و نیز طرز تلقی عامه و در بیشتر موارد، حتی آداب و رسوم و اعتقادات است توسعه در غرب محصول مجموعه حوادث و رخدادهایی بود که اغلب برنامه‌ریزی نشده بودند و تحولات فکری و صنعتی به‌موازات هم بسیاری از ابعاد توسعه را به‌پیش راند بدون آن‌که عملاً دولت‌ها برنامه‌های توسعه‌ای مدون برای کشور داشته باشند. برنامه‌ریزی توسعه بعد از پایان جنگ جهانی دوم مطرح و اجرا شده است (۱۰). از طرفی توسعه‌نیافتگی حالت یا وضع توسعه اقتصادی در یک ناحیه یا کشور است که وسایل ضروری برای رشد اولیه را ندارد و نسبت بالایی از منابع آن باید به کارهای کشاورزی تخصیص یابد. مسأله اساسی در این مرحله از توسعه اقتصادی این است که حد بالایی از سطح قابل دست‌یابی به مقدار تولید سرانه وجود ندارد (پورحسن، احمدیان و قربانی، ۱۳۹۶: ۴۰).

از اوایل دهه ۱۹۵۰ مباحث مربوط به توسعه‌نیافتگی تحقیق تأثیر "تئوری وابستگی" و "نظریه نظام جهانی" بود. مطابق این نظریه-ها، روابط تجارت بین نقاط مختلف جهان ذاتاً مبتنی بر بهره‌کشی و نابرابری است و این موضوع موجب توسعه‌نیافتگی می‌شود. بخش‌های خاصی از جهان ("هسته") بر فناوری پیشرفته و فعالیت‌های پرسود مانند ساخت‌وساز حاکم هستند. بقیه ("حاشیه") برای تولید مواد اولیه و محصولات اولیه باقی‌مانده است. این بدان معناست که درحالی که برخی از قسمت‌ها "توسعه‌یافته" بوده و مدرنیزاسیون اقتصادی را تجربه می‌کنند، سایر بخش‌ها قادر به انجام این کار نیستند و بنابراین "توسعه‌نیافته" باقی می‌مانند (۱۱).

در نظریات انتقادی و مطالعات پسا استعماری، اغلب مفاهیم "توسعه"، "توسعه‌یافته" و "توسعه‌نیافته" به دوره اول استعمار برمی‌گردد؛ دوره استعماری، که در آن قدرت‌های استعماری استخراج نیروی کار و منابع طبیعی و دوم بودند. در اغلب موارد مفهوم "توسعه" نیز اشاره به مداخله کشورهای غربی در کشورهای جهان سوم برای توسعه بود. برخی از محققان از قبیل گوستاوو استوا^۴ معتقد است که توسعه‌نیافتگی از زمانی آغاز شد که رئیس‌جمهور آمریکا هری ترومن^۵ خط مقدماتی خود را در سال ۱۹۴۹ ارائه داد،

8. Harry Truman

4. Michael Todaro

7. Gustavo Stevia

توسعه‌ای شرکت نمی‌کنند و حتی به‌رغم حمایت نهادهای دولتی یا توانمندشدنشان، جامعه محلی چندان توسعه نمی‌یابد چراکه ارزش-های فرهنگی-اجتماعی مانع توسعه می‌شوند؛ بدین معنی که در این جوامع طایفه‌گرایی، تعصب قومی، یا رفتارهایی نظیر پنهان‌کاری، بدبینی موجب شده تا اجتماع محلی نسبت به همدیگر تعلق گروهی نداشته باشند و هر بخشی از جامعه به‌صورت سرخود عمل نماید؛ از دیگر سو باید دقت نمود که احساس تبعیض یا محرومیت نسبی که در جوامع محلی توسعه‌نیافته وجود دارد الگوهای کنش اجتماعی آن‌ها را بیشتر به سمت ایجاد مانع یا ضدیت با برنامه‌های توسعه‌ای می‌کند که به‌صورت مداخله‌ای یا بیرون‌وارد شده بر آن‌ها تحمیل می‌شود.

پیری، کرم‌پور و کفاشی (۱۷) پژوهشی با عنوان «بررسی موانع اجتماعی توسعه‌یافتگی در استان ایلام با روش نظریه زمینه‌ای» انجام دادند: این مقاله به بررسی موانع اجتماعی توسعه‌یافتگی در استان ایلام و درک و تفسیر مردمان آن دیار از توسعه می‌پردازد. با توجه به اینکه روش‌شناسی عمده‌ی این تحقیق کیفی بوده؛ از روش مردم‌نگاری برای عملیات گردآوری داده‌ها و از نظریه‌ی زمینه‌ای برای تحلیل و ارائه‌ی داده‌ها استفاده شده است. در این پژوهش، اطلاعات مشاهده‌ای و اسنادی توسط محقق گردآوری و اطلاعات مصاحبه‌ای نیز از ۵۶ نفر مشارکت‌کنندگان ساکن در میدان مطالعه به عمل آمد. برای تعیین افراد مورد مصاحبه، از روش نمونه‌گیری کیفی - هدفمند و برای تعیین تعداد مصاحبه‌شوندگان از منطق اشباع نظری در نمونه‌گیری نظری استفاده شد. سپس عملیات تحلیل اطلاعات در سه مرحله‌ی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی انجام شده و یک مدل زمینه‌ای برای هر یک از سؤال‌ها ترسیم گردید. در نهایت از ترکیب کلیه مقوله‌ها، مدل نهایی تحقیق استخراج شد. نتایج بررسی نشان می‌دهد که مهم‌ترین موانع اجتماعی توسعه‌یافتگی در این استان بافت غالب ایلی و قبیله‌ای، میزان پایین سرمایه‌ی اجتماعی، سست شدن روابط اجتماعی و فقدان نظام شایسته‌سالاری می‌باشد. حسنی، الهیاری و دهشیری، (۱۸) پژوهشی با عنوان «توسعه‌نیافتگی ناشی از تأخیر فرهنگی برآمده از حاشیه‌نشینی در شهرها» انجام دادند: توسعه شهری یکی از جدیدترین و بحث‌برانگیزترین مطالعات در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و یکی از دغدغه‌های مهم ذهنی نخبگان جوامع مختلف است. عاملی که در فرآیند توسعه شهری بسیار تأثیر می‌گذارد فرهنگ است. به اعتقاد برخی دانشمندان علوم اجتماعی بسیاری از معضلات سازمانی و اجتماعی به‌این‌علت به وجود می‌آیند که بعضی قسمت‌های فرهنگ کندتر از سایر قسمت‌ها تغییر پیدا می‌کنند که باعث تأخیر فرهنگی یا پس‌افتادگی فرهنگی جامعه می‌شود. تأخیر فرهنگی موجب دشواری پیاده‌سازی برخی روستاها می‌شود. تأخیر گردد. اختلاف فرهنگ در بخش‌های مختلف مانع از پیاده‌سازی و آزادسازی امکانات و تسهیلاتی شده که به توسعه کمک می‌کنند. این مقاله درصدد تبیین ارتباط بین تأخیر فرهنگی میان جامعه‌ی حاشیه‌نشین و جامعه‌ی شهری با مفهوم توسعه می‌باشد. در نتیجه‌ی بررسی ارتباط بین مفاهیم یادشده، مدل مفهومی استخراج شده و

از استقلال عاطفی جدا می‌کند. استقلال فکری اشاره می‌کند به مطلوبیت افراد در ایده‌هایشان و هدایت افکار به‌صورت مستقل (مثل: آزاداندیشی، خلاقیت، کنجکاوی). استقلال عاطفی به‌حق زندگی شاد داشتن، شادی، مهیج و متنوع بودن اشاره دارد. فرهنگ‌های دارای درجه بالایی از استقلال فکری و عاطفی باید به‌احتمال‌زیاد برای نهادینه‌سازی ارزش‌ها و هنجارهایی مثل نوآوری، انعطاف‌پذیری، شایستگی، کیفیت، نسبت به فرهنگ‌های کمتر مستقل، موفق باشند.

سلسله‌مراتب، بُعد چهارم ارزش‌های فرهنگی شوارتز است. این بُعد تأکید بر اتکای یک جامعه بر سیستم‌های سلسله‌مراتبی از ارزش‌های نسبت داده‌شده برای رفتارهایی که بافت و ساختار جامعه را حفظ می‌کند، دارد. در فرهنگ‌های سلسله‌مراتبی توزیع نابرابر نقش، قدرت و منابع دیده می‌شود. افراد ارزش زیادی برای قدرت اجتماعی، اختیار و تواضع قائل‌اند. علاوه بر این در برخی فرهنگ‌ها، افراد جامعه‌پذیر شده‌اند برای تبعیت از قوانینی که مربوط به نقششان است. به همین ترتیب، ارزش‌ها و هنجارهایی مثل همکاری بین وظیفه‌ای، خلاقیت و انعطاف‌پذیری، و ارتباطات باز داخلی کمتر باید سازگار با ارزش‌ها و نرم‌های غالب در فرهنگ‌های سلسله‌مراتبی باشند (۱۴). بر طبق نظر شوارتز بُعد پنجم فرهنگ، مساوات‌طلبی است که آن را این‌طور تعریف می‌نمایند که مساوات‌طلبی تأکید بر برتری علایق شخصی در حمایت از تعهدات داوطلبانه جهت ارتقای سعادت دیگران. ارزش‌های شاخص بُعد مساوات، عدالت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و صداقت است. بنابراین افراد با فرهنگ تساوی بالا، به‌طور آشکار برای همکاری در اهداف برانگیخته می‌شوند. تساوی زیاد انتظار می‌رود که اثر مثبتی بر نهادینه‌سازی فرهنگ بازار گرایی داشته باشد. ارزش‌ها و هنجارهای بازار گرا مثل موفقیت، همکاری بین وظیفه‌ای و مسئولیت‌پذیری کارکنان می‌تواند در سازمان‌هایی در فرهنگ‌های ملی مساوی توسعه یابد. زیرا افراد در چنین فرهنگ‌هایی با نهادینه‌سازی یک تعهد جهت همکاری داوطلبانه با دیگران و نگرانی و توجه به سعادت یکدیگر در سازمان آشنا شده‌اند. بُعد شش و هفتم فرهنگ ملی شوارتز شامل هماهنگی و تسلط است. فرهنگ‌های بسیار مسلط، جهت نهادینه‌سازی ارزش‌ها و نرم‌ها آمادگی دارند. زیرا این چنین فرهنگ‌هایی پویایی، رقابت، گرایی به موفقیت و کامیابی را تشویق می‌کنند. ارزش‌های شاخص در این بُعد شامل موفقیت، بلندهمتی، جسارت، شایستگی. فرهنگ‌های با بُعد تسلط بالا، باید نهادینه‌سازی ارزش‌ها را تسهیل کنند. یک ارتباط مثبت بین ارزش‌های غالب در فرهنگ‌های با بُعد تسلط بالا و زیاد و ارزش‌های مبتنی بر جامعه مثل موفقیت، شایستگی انتظار می‌رود (۱۵،۱۶). مجموعاً بر اساس نظریات ذکرشده باید گفت اغلب نظریه‌پردازان وجود سنت‌های قومی، مقاومت در برابر تغییر، و نبود روحیه ریسک‌پذیری و فردگرایی را از موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه‌نیافتگی بیان می‌کنند.

نتایج به‌دست‌آمده از موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه حاکی از آن است که در جوامع یا مناطقی که سطح سرمایه اجتماعی، انسجام و مشارکت اجتماعی کم است مردم محلی چندان در فرایندهای

و تأکید بر این امر که محوریت توسعه مشارکت است. بر این اساس سیاست‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی در راستای مشارکت اقوام و نخبگان آن‌ها، ارتقاء شاخص‌های توسعه فرهنگی و استفاده از ظرفیت رسانه و صنایع فرهنگی از سوی نهادها، همچنین دوری از فرایندهای آسیب‌زایی مانند تبعیض و تمرکزگرایی، موجبات بهبود شاخص‌های کیفیت زندگی، افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی و توسعه استان کردستان را فراهم می‌آورد.

تاکاماتسو^۱ پژوهشی با عنوان «موانع اجتماعی-فرهنگی در انسجام دوباره زنان در سریلانکا» انجام داد. این پژوهش به صورت کیفی و در بین زنان کامبوجی انجام شد. نتایج نشان داد: زنانی که قبلاً در جنگ داخلی شرکت داشتند، عقاید خود را برای توسعه تغییر دادند و به بانوان مستقلی تبدیل شدند. این زنان برخلاف دوره جنگ، حاضر نیستند به نقش‌های جنسیتی خود برگردند. این زنان امروزه نماد ارزش‌های تغییر، دموکراسی، مشارکت اجتماعی و توانمندسازی هستند. کوک هو^۲ پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی و درک موانع توسعه در مناطق ساراواک» انجام داد: هدف از این مطالعه بررسی موانع توسعه در مناطق ساراواک می‌باشد. این پژوهش به صورت پیمایشی و با ابزار پرسشنامه بر روی ۲۳۶ خانوار انجام گرفت. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان عموماً از توسعه استقبال می‌کنند اما از شیوه‌های توسعه برای اتخاذ اطمینان ندارند. از نظر نوع توسعه، بیشتر شرکت‌کنندگان کشت برنج و تولید صنایع دستی را ترجیح می‌دهند. کمبود سرمایه و نیروی انسانی به عنوان مانع اصلی توسعه در سطح فردی تلقی می‌شد. در سطح جامعه، عمده‌ترین موانع دور بودن شهرک‌ها و نبود زیرساخت‌ها و امکانات اساسی می‌باشد. یانگ و ژانگ^۳ پژوهشی با عنوان «تشخیص موانع توسعه پایدار: مطالعه‌ای در مورد "حساسیت‌زدایی" در رفتار خریدهای ساکنان شهری» انجام دادند: از بین بردن موانع خرید سبز برای بهبود کارایی حاکمیت زیست‌محیطی در بازار سبز از اهمیت بسیاری برخوردار است. برای این منظور، این مقاله "حساسیت‌زدایی" به مصرف سبز را بررسی می‌کند. بر اساس مدل معادلات ساختاری و مدل رگرسیون چندگانه، یک مطالعه تجربی بر روی ۴۷۹ نفر از ساکنان بزرگ‌سال شهر انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که اقناع رسانه‌ها از طریق جدی بودن درک مشکلات زیست‌محیطی بر رفتار خرید سبز تأثیر مثبت داشته است. جدیت درک شده از مشکلات زیست‌محیطی بر رفتار خرید سبز تأثیر مثبت گذاشت و بین اقناع رسانه‌ها و رفتار خرید سبز تأثیر واسطه‌ای جزئی داشت. در همین حال، اثر واسطه‌ای از درک جدی از مشکلات زیست‌محیطی توسط هر دو اثر درک شده از رفتار زیست‌محیطی و تعویض هزینه تعدیل می‌شود. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل "حساسیت‌زدایی" بزرگ‌سالان شهری نسبت به مصرف سبز نشان می‌دهد که سازوکار تشکیل "حساسیت‌زدایی" بزرگسالان متفاوت از افراد زیر سن قانونی است. نتیجه‌گیری‌ها دارای اهمیت نظری و عملی خاصی برای رسانه‌ها در استفاده صحیح از استراتژی‌های ترغیب سبز و تصحیح تعصب در

بررسی این مدل نتیجه می‌دهد که تأخیر فرهنگی و ناسازگاری‌های فرهنگی اثر حاشیه‌نشینی بر توسعه‌نیافتگی را تشدید خواهند کرد. موسوی رکعتی، جوهری‌پور و محدثی پژوهشی با عنوان «واکاوی جامعه‌شناختی پارادایم‌های توسعه‌نیافتگی ایران، از منظر نظریه‌پردازان ایرانی» انجام دادند: در تحلیل پیش رو می‌کشیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که، چرا جامعه‌ی ایرانی از توسعه‌نیافتگی بازمانده؟ که در این راستا، کتاب‌هایی که توسط نظریه‌پردازان ایرانی نگاشته شده بود مورد تحلیل واقع گردید، که برآیند آن بدین قرار شد: الف. نظریه‌پردازانی که پارادایم توسعه‌نیافتگی ایران را ساختار جامعه قلمداد می‌کنند. این نظریه‌پردازان معتقدند ساختار اقتدارگرایانه و عدم رشد سرمایه‌داری در این ساختار، علت توسعه‌نیافتگی ایران بوده است. آنچه باعث پیدایش مؤلفه‌های اقتدارگرایانه در ایران شده است، تمرکز اقتصادی و سیاسی، ساختار فرهنگی رشد نایافته و همچنین ضعف در یادگیری از جوامع موفق بوده است. اما آنچه که باعث عدم تکوین نظام سرمایه‌داری در ایران شد، ناامنی بوده است و علت آن هم ترس از مصادره اموال توسط کارگزاران استبداد بوده است. ب. نظریه‌پردازانی که پارادایم توسعه‌نیافتگی ایران را عاملیت جامعه تلقی می‌کنند. این نظریه‌پردازان معتقدند کنش کنشگران جامعه‌ی ایرانی باعث توسعه‌نیافتگی ایران شده است. از اهم این عناصر فرهنگی باید به خلیقات ایرانیان، خاصه فرهنگ استبدادی، غرب‌زدگی و نخبه‌کشی اشاره کرد. ج. نظریه‌پردازانی که پارادایم توسعه‌نیافتگی ایران را تلفیقی می‌دانند. این نظریه‌پردازان معتقدند، علاوه بر ساختار و عاملیت، باید به عوامل خارجی به مثابه حملات نظامی بیگانگان و نقش استعمار هم اشاره کرد. همچنین دیداری، محسنی و بحرانی، پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه‌نیافتگی استان کردستان با تأکید بر توسعه فرهنگ» انجام دادند: یکی از ویژگی‌های کشورهای درحال توسعه تمرکز شدید و تعادل نامتوازن است، برای ایجاد تعادل و توسعه همه‌جانبه در کشور مطالعه و پژوهش درباره مناطق کمتر توسعه‌یافته جهت برنامه‌ریزی‌های آینده امری لازم و ضروری است، این مقاله به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه‌نیافتگی استان کردستان پرداخته است. نوع تحقیق کاربردی و روش آن تلفیقی از تحلیل محتوا و تحلیل مقایسه‌ای است. از نرم‌افزار max QDA برای تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده با صاحب‌نظران استان و تحلیل مقایسه‌ای آمار اخذشده از مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ استفاده شده است. بر اساس دیدگاه پارسونز و گرب و نظریه دولت‌محوری، تأثیر ایدئولوژی و ساختار قدرت بر خرده نظام فرهنگی و تأثیر خرده نظام فرهنگی بر خرده نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، علل توسعه‌نیافتگی تبیین شده است. فرض اساسی این پژوهش که فرهنگ یک متغیر بسیار مهم در دستیابی به توسعه است، تأیید گردیده است. بر اساس دیدگاه‌های نظری، توسعه فرهنگی پیش‌شرط توسعه همه‌جانبه است؛ بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان با تأکید بر نقش دولت، ساختار قدرت و ایدئولوژی در راستای حمایت و استفاده از ظرفیت‌های قومی و بومی

3. Yang and Zhang

1. Takamatsu

2. Kuok Ho

روش کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری بود؛ همچنین در بخش میدانی از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس کدگذاری سه‌گانه بود؛ در واقع برای مشخص کردن مقولات از سه نوع کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد؛ برای تأمین روایی مطالعه برای انجام مصاحبه از محقق دیگری برای حضور در محل به منظور مشارکت در شناخت موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه‌نیافتگی و ورود به سؤال اصلی پژوهش استفاده شد در پژوهش حاضر از دو روش برای ارزیابی پایایی مصاحبه‌ها و داده‌های حاصل استفاده شد: در روش اول از یک فرایند ساخت‌یافته برای ثبت، نوشتن و تفسیر داده‌ها استفاده شد. در روش دوم از کارشناس دیگری به عنوان مصاحبه‌کننده دوم استفاده شد که مصاحبه‌کننده دوم به صورت جداگانه اما موازی مصاحبه‌ها را بر اساس یک راهنمای مصاحبه تأییدشده توسط اساتید انجام می‌دهند و سپس یافته‌های دو محقق نظیر به نظیر برای هر سؤال مقایسه شد. در ارتباط با منطقه مورد تحقیق که شهرستان بشاگرد و شرق استان هرمزگان است باید گفت شهرستان بشاگرد بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۳۵۰۸۵ نفر (۲ درصد کل جمعیت استان هرمزگان) جمعیت بوده که در شش دهستان گوهران، جگدان، سردشت، گافر، پارامون و درآبسر و ۱۶۲ آبادی سکونت دارند این شهرستان علیرغم محدودیت‌های مختلف با متوسط رشد سالانه ۷۳ / ۰ درصد در سال شاهد افزایش جمعیت از حدود ۳۲ هزار نفر در سال ۸۵ به ۳۵۰۸۵ نفر در سال ۱۳۹۵ بوده است. از جمعیت ساکن در بشاگرد ۱۷۶۱۳ نفر مرد و ۱۷۴۷۲ نفر زن می‌باشد که در قالب ۹۳۵۹ خانوار زندگی می‌کنند.

یافته‌ها

نتایج به دست آمده نشان داد ۷۶ درصد معادل ۱۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان مرد و ۲۴ درصد معادل ۴ نفر زن بودند. به لحاظ تحصیلاتی نیز مصاحبه‌شوندگان با مدرک کارشناسی ارشد با ۵۹ درصد و ۱۰ نفر بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده بودند دکترا با ۲۳ درصد و ۴ نفر و کارشناسی نیز با ۱۸ درصد و ۳ نفر قرار دارند. به لحاظ شغلی یا پست سازمانی نیز ۷۱ درصد کارمندان اجرائی منطقه بودند و ۲۳ درصد استاد دانشگاه و ۶ درصد معادل ۱ نفر نیز مدیر بودند. در پژوهش حاضر بر اساس تحلیل و کدگذاری باز مصاحبه‌ها، مجموعاً ۹۳۸ کدباز یا مفهوم اولیه به دست آمد. در مرحله دوم، کدهای باز مشابه یا مفاهیم اولیه باهم ادغام شدند و کدهای محوری به دست آمد که مجموعاً ۱۷۲ کد محوری به دست آمد. همچنین در مرحله سوم کدهای محوری مشابه نیز ادغام و کدهای انتخابی تشکیل شد که مجموعاً ۶۲ کد انتخابی به دست آمد. در جدول (۱) نمونه‌ای از کدگذار باز یا مفاهیم اولیه به دست آمده نیز قابل مشاهده است.

نگرش‌ها و رفتارهای سبز و همچنین برای شرکت‌ها جهت انجام بازاریابی سبز و غیره است.

نتایج مقایسه پیشینه‌ها نشان می‌دهد؛ موانع اجتماعی عامل توسعه-نیافتگی در پژوهش‌ها بودند که این موانع شامل بافت قومی-قبیله‌ای، طایفه‌ای بودن، میزان پایین سرمایه اجتماعی بود. همچنین در دیگر نتایج نشان داده شد که تأخیر فرهنگی یا پس‌ماندگی فرهنگی به همراه خرده فرهنگ سنتی از عوامل اصلی توسعه‌نیافتگی به ویژه در ایران بوده است. نتایج دیگر نشان می‌دهد وجود فرهنگ استبدادی، سرکوب جامعه مدنی، حاکمیت اقتدارگرایانه و جلوگیری از تشکیل طبقه متوسط از دیگر عوامل توسعه‌نیافتگی بوده است. در کنار این عوامل، اجتماعی شدن نامناسب، بوروکراسی حجیم، بیگانگی اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی، نگاه ایدئولوژیک، عدم شکل‌گیری نهادهای مؤثر در توسعه، عدم توزیع قدرت، عدم شکل‌گیری فرهنگ گفتگو، عدم بهره‌گیری مناسب از سنت‌ها، دسترسی محدود به رسانه‌های گروهی، رفتار پدرسالارانه از دیگر عوامل توسعه‌نیافتگی بود. همچنین باورها فرهنگی یا الگوهای رفتاری نظیر تقدیرگرایی، سنت‌گرایی، فقدان همدلی و عدم آینده-نگری از دیگر موانع توسعه بودند. در برخی از پیشینه‌ها نیز بر ارتباط بین ارزش‌ها و توسعه توجه شده بود؛ ابعاد مختلف ارزش‌های جامعه شامل ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ارزش‌های دموکراتیک بر توسعه و ابعاد آن تأثیر مثبت دارد. در پژوهش حاضر بیشتر محقق به دنبال کشف و شناسایی موانع، زمینه‌ها و عوامل مداخله‌گر اجتماعی و فرهنگی توسعه‌نیافتگی در یک منطقه‌ای است که به رغم کمک‌های دولتی و مداخلات توسعه‌ای همچنان چرخه باطل توسعه‌نیافتگی وجود دارد بنابراین تفاوت پژوهش حاضر با پیشینه‌های ذکر شده این است که منطقه مورد مطالعه عرصه انواع طرح‌های توسعه‌ای بوده است اما توسعه‌نیافته است در حالی که در پژوهش‌های مذکور، بیشتر عوامل توسعه‌نیافتگی در جامعه‌ای مدنظر بوده است که مداخلات توسعه‌ای یا کمتر یا اصلاً اجرا نشده است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به صورت کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام شد. تحلیل محتوای کیفی شامل یک فرایند طراحی شده برای متمرکز کردن داده‌های خام به سمت موضوعات و طبقه‌بندی‌هایی بر اساس استنباط و تفسیر معتبر می‌باشد. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت نیز جزو پژوهش‌های اکتشافی است. مشارکت‌کنندگان کلیه مدیران و نخبگان اجرائی نهادهای حمایتی از جمله کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی و خبرگان علمی (شامل اساتید دانشگاه و پژوهشگران) و نیز افراد متنفذ محلی شرق استان هرمزگان بود. بر اساس نمونه‌گیری گلوله برفی، ۱۷ مطلع به عنوان نمونه انتخاب شدند، و به اشباع داده‌ها رسید. روش گردآوری مبانی نظری و سوابق تجربی تحقیق بر اساس

جدول ۱. نمونه‌ای از نقل قول و کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها

نقل قول	کدهای باز (مفاهیم اولیه)
عمده زمینه فرهنگی تعصبات قومی و قبیله‌ای پیروی از آیین گذشتگان می‌باشد.	پیروی از آیین گذشتگان حفظ سنت‌ها گذشتگان
مردم منطقه شریف بشاگرد خود را موظف به حفظ سنت‌ها گذشتگان خود می‌دانند و جزئی از زندگی خود محسوب می‌کنند.	پایبندی به سنت‌های قدیمی پایبندی به سنت‌های آبا و اجدادی
عدم پایبندی به سنت‌های قدیمی و آبا و اجدادی را توهین محسوب کرده و در صورت مشاهده احتمال درگیری قبیله‌ای هم وجود دارد.	عدم دخالت دولت‌ها در اصلاح برخی سنت‌های رایج غلط منطقه نبود شرایط مناسب جهت اشتغال
عدم دخالت دولت‌ها در اصلاح برخی سنت‌های رایج غلط منطقه نبود شرایط مناسب جهت اشتغال تحصیل‌کردگان در منطقه که باعث مهاجرت گروه نخبگان و نیروهای ماهر شده است.	مهاجرت گروه نخبگان مهاجرت نیروهای ماهر قانع بودن مردم منطقه به امکانات اولیه زندگی
قانع بودن مردم منطقه به امکانات اولیه زندگی و جایگاه بسیار ضعیف فرهنگ کار و تلاش در بین آن‌ها که بسیاری از موارد نتیجه عدم آگاهی و حرفه می‌باشد.	ضعیف بودن فرهنگ کار و تلاش عدم آگاهی در حرفه هدفمند نبودن امکانات فرهنگی
هدفمند نبودن امکانات فرهنگی و عدم توجه به استفاده از امکانات موجود برای مردم منطقه از جمله حوزه علمیه بشاگرد.	عدم توجه به استفاده از امکانات موجود نبود مراکز توانمند در امر ارائه آموزش‌های کاربردی
نبود مراکز توانمند در امر ارائه آموزش‌های کاربردی ویژه منطقه جهت تصدی‌گری اهالی در پست‌های مرتبط بامهارت.	

در جدول شماره (۲) هم نمونه‌ای از کدگذاری محوری و انتخابی آمده است.

جدول ۲. نمونه‌ای از کدگذاری محوری و انتخابی

کد انتخابی	کدمحوری	کدباز
		عدم وجود ارتباطات
		عدم وجود راه‌های روستایی مناسب
		عدم وجود راه‌های ارتباطی آسفالت‌ه ایمن
		نبود راه مواصلاتی مناسب
	نامناسب بودن راه‌های ارتباطی	عدم ارتباط با مناطق هم‌جوار
وجود جغرافیای نامناسب ارتباطی		صعب‌العبور بودن منطقه
		مشکلات رفت‌وآمد
	زیاد بودن فاصله روستاها با مدارس و مراکز آموزشی	فاصله زیاد روستاها با مدارس
		فاصله زیاد روستاها با مراکز آموزشی

در جدول (۳) هم یافته‌های تحقیق آمده است؛ مطابق یافته‌های تحقیق، در بخش علل، ۴۸۴ کدباز، ۸۵ کد محوری و ۲۹ کد انتخابی استخراج گردید. در بخش زمینه‌ها و بسترها هم ۲۱۶ کدباز، ۴۳

جدول ۳. نمونه‌ای از نقل قول و کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها

عوامل	کدهای انتخابی (مضامین)
گسترده‌گی محرومیت و فقر فرهنگی و اقتصادی، نهادینگی فرهنگ سنتی و قوم-محور، روستانشینی متمرکز، وجود جغرافیای و راه‌های ارتباطی نامناسب، بی‌توجهی و عدم اثربخشی طرح‌های حمایتی، اعتبارات بدون نظارت و بدون نیازسنجی، سیاست‌گذاری بدون نیازسنجی، بی‌توجهی به زیرساخت‌های فرهنگی-اقتصادی، توسعه‌نیافتگی منطقه ای و بی‌توجهی به آمایش سرزمینی، ضعف مدیریتی و برنامه‌ریزی بلندمدت و اجرای صحیح طرح‌های توسعه‌ای، نبود مهارت و بازار کاری مناسب، ترس و بی‌تمایلی به سرمایه‌گذاری مردم بومی، بی‌توجهی و تضادهای فرهنگی منطقه، نبود فرهنگ خودباوری و تغییر، نهادینگی فرهنگ وابستگی و نیازمندی در منطقه، تقدیرگرایی مزمن و مقاومت در برابر تغییر، عدم نظارت و	کدباز=۴۸۴ کد محوری=۸۵ کد انتخابی=۲۹

سلیقه‌ای عمل کردن، بی‌توجهی به سرمایه‌های انسانی، عدم شناخت محلی و توجه به ظرفیت‌ها، دخالت غیر کارشناسی و بی‌توجهی به پروژه‌ها، ضعف امنیتی در منطقه و بی‌توجهی و عدم سرمایه‌گذاری در امور آموزشی.

زمینه‌ها
کدباز=۲۱۶
کد محوری=۴۳
کد انتخابی=۱۶

غلبه فرهنگ سنتی مذهبی مقاوم در برابر تغییر، مهاجرت متخصصان به علت نبود بازار کار، نداشتن منابع معیشتی و خدماتی و غلبه فقر اقتصادی، نبود برنامه‌ریزی جامع و نیازمحور، وجود جغرافیای نامناسب ارتباطی، عدم وجود امکانات و خدمات آموزشی-فرهنگی، تراکم تضادهای فرهنگی و اجتماعی، موازی کاری نظام نامطلوب حمایتی، فرزند آوری بالا، بی‌توجهی و نبود امکانات آموزش-فرهنگی، ساختار طبقاتی و سلسله مراتبی در منطقه، جغرافیای خاص منطقه، نبود فرهنگ خوداتکائی و ریسک‌پذیری، نهادینگی زندگی در شرایط سخت، بی‌توجهی آموزشی و به‌کارگیری امکانات، عدم بومی‌گرایی و مدیریت اثربخش منطقه‌ای.

عوامل مداخله-
گر
کدباز=۲۳۸
کد محوری=۴۴
کد انتخابی=۱۷

استمرار فقر فرهنگی و منطقه‌ای، سنت‌گرایی شدید، تعصب‌گرایی و تغییرناپذیری تفکرات، نبود فرهنگ و انگیزه خوداتکائی و ریسک‌پذیری، غلبه فرهنگ مناطق و رسانه‌های مجازی، بی‌توجهی و ناآشنایی به فرهنگ بومی، نبود پیوست فرهنگی و مکان‌های فرهنگی مناسب، عدم ریسک‌پذیری و تفکر اقتصادی، عدم بومی‌گرایی و تخصص‌گرایی در منطقه، ضعف آموزشی و فرهنگی در منطقه، نبود فرهنگ استفاده از رسانه‌های نوین، بی‌توجهی و نبود ملزومات آموزش، حضور گروه‌های مواد مخدر در منطقه، مشکلات جغرافیایی و محیطی در عبور و مرور منطقه، نبود و سوء مدیریت در حوزه خدمات، نبود برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح توسعه‌ای در منطقه، موازی کاری و عدم موفقیت طرح‌های نهادی.

نتیجه‌گیری

امروزه توسعه جوامع محلی در توانمندسازی آن‌ها نقش مهمی دارد و همان‌گونه که توسعه متأثر از عوامل مختلفی است توسعه‌نیافتگی نیز از عوامل مختلفی متأثر است. موانع فرهنگی-اجتماعی از جمله موانعی اصلی توسعه به‌ویژه در مناطق سنتی یا روستایی هستند که همیشه از ابتدای مباحث و نظریه‌های توسعه مورد توجه بوده است. پژوهش حاضر باهدف شناخت علل، زمینه‌ها و عوامل مداخله‌گر موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه‌نیافتگی در شرق استان هرمزگان به روش کیفی انجام شد.

نتایج مربوط به زمینه‌های موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه‌نیافتگی همسو و سازگار با احمدی و قزوینه (۱۹)، کاترین (۲۰) و ولر است. در این منطقه فرهنگ سنتی-مذهبی جمع‌گرا و بسیار قوی وجود دارد، که این فرهنگ در مقابل تغییر مقاومت می‌کند البته هر نوع مقاومتی چون منافع عده‌ای را تأمین می‌کند بنابراین قابل توجه است در این منطقه منافع ریش-سفیدان و روسای قبایل و مددجویان کمیته امداد در تداوم دریافت کمک‌ها است چون هم ارتباط و حضور دولت وجود دارد هم فرهنگ سنتی-تقدیدگرا نیز حفظ می‌شود بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که این فرهنگ به آسانی تغییر نماید همین موضوع سبب می‌شود نوعی بی‌حرکی اجتماعی-اقتصادی حاصل شود و بسیاری از افراد به‌ویژه متخصصان هم به علت فقر اقتصادی و فرهنگی مهاجرت نمایند. مطابق با دیدگاه هافستد فرهنگ‌های جمع‌گرا قدرت ابتکار و نوآوری و تصمیم‌گیری فردی برای توسعه را از بین می‌برند. جغرافیای منطقه نیز بسیار نامناسب به لحاظ راه‌های ارتباطی و صعوبت‌العبور بودن دارد و این موضوع سرمایه‌گذاری در بسیاری از بخش‌ها را چندان به‌صرفه نمی‌کند در کنار این موضوع نبود خدمات فرهنگی-آموزشی باعث شده سطح تعامل و تساهل ساکنین و مددجویان کاهش یافته و همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد تراکمی از تضادهای فرهنگی و اختلافات قومی و قبیله‌ای در منطقه وجود داشته باشد که این موضوع بر عدم همکاری و مشارکت‌های محلی نیز خواهد افزود. از دیگر نتایج مربوط به زمینه‌های توسعه‌نیافتگی در این منطقه باید به موازی

کاری نهادهای مختلف و نظام حمایتی نامطلوب نیز اشاره کرد در این منطقه نهادهای مختلفی درگیر خدمات‌رسانی هستند اغلب این نهادها یک خدمت را با انحاء مختلف ارائه می‌دهند که قابل توجه نیست در این حمایت‌ها موضوع توانمندسازی و آموزش مطرح نیست بلکه صرفاً نفس دادن کمک اصل است این موضوع باعث می‌شود تداوم وابستگی صورت گیرد شاید همین کمک‌ها بدون نظارت باعث شده است که سطح فرزند آوری در این منطقه بر اساس نتایج نیز بالا باشد چه خانواده‌های که دغدغه معیشت چندانی نداشته باشد و از چندین نهاد حمایت و کمک دریافت نماید شروع به فرزند آوری برای دریافت کمک‌های بیشتری می‌نماید. همچنین در منطقه مورد مطالعه فرهنگ طبقاتی حاکم است و این موضوع جامعه را به فرودست و فرادست تقسیم‌بندی نموده شاید از جنبه-هایی این موضوع باعث شده نوعی فرهنگ عدم ریسک‌پذیری و خوداتکائی نیز نهادینه شود، همان‌طور که شوارتز چنین فرهنگ سلسله‌مراتبی را مانع توسعه می‌بیند. مطابق دیدگاه هافستد در فرهنگ‌های سنتی، چون جمع‌گرایی غالب است سطح ریسک‌پذیری در بین افراد پایین است و فردیت اشخاص زیر تصمیم‌گیری جمعی و جمع نابود می‌شود این موضوع باعث می‌شود فرهنگی رشد کند که در آن ریسک کردن مذموم شمرده شده و فرد ریسک‌پذیر یا نوآور را مغایر با هنجارهای اجتماعی تصور نمایند؛ بنابراین، زمینه‌های بسترهای کل‌گیری موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه‌نیافتگی باید به بسترهای روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی، سنت زدگی، و تراکم تضادهای اجتماعی، به همراه بی‌توجهی به بومی‌گرایی و مدیریت اثربخش را باید به‌عنوان یافته‌های مهم این بخش نام برد که بر تشدید توسعه‌نیافتگی تأثیری مستقیم دارند.

نتایج مربوط به عوامل مداخله‌گر موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه-نیافتگی همسو و سازگار با حسنی و همکاران (۱۸)، دیداری و همکاران (۲۱)، احمدی و قزوینه (۱۹)، کوک هو (۲۲) و کاترین (۲۰) است. در منطقه مورد مطالعه فرهنگ سنتی و سنت‌گرایی اغلب در طرح‌های توسعه‌ای اخلاص ایجاد می‌کند نه مشارکت مردم به علت سنت‌گرایی جلب می‌شود، نه این‌که فرهنگ تغییر در

Downloaded from islamiclifej.com on 2023-12-30

منطقه نهادینه می‌شود این موضوع باعث می‌شود فرهنگ و انگیزه خوداتکای در جامعه هدف کاهش یابد یا اساساً شکل نگیرد. اما نکته مهم این است که اغلب مدعیان توسعه و برنامه‌ریزان در منطقه از فرهنگ بومی شناختی ندارند تا برنامه‌ریزی درستی نمایند موضوعی که به کرات در یافته‌ها بود و اساساً به‌عنوان عاملی مهم و مداخله‌گر مطرح بود. منطقه مورد مطالعه اساساً ارزش‌های فرهنگی در طی نسل‌ها چندان دچار دگرگونی نشده است بلکه حمایت‌های بیش‌ازحد و بدون نظارت بعد از انقلاب به همراه نبود برنامه‌ریزی صحیح برای توانمندسازی و موازی کاری بسیاری از طرح‌های توسعه‌ای یا حمایتی باعث شده که نوعی فرهنگ وابستگی و ارزش-های ضد نوآوری در جامعه هدف رشد نماید که این ارزش‌ها مانع هرگونه توسعه‌ای است. از دیگر سو زمانی که فرهنگ جامعه بومی ضد نوآوری است طبیعی است ریسک‌پذیری صورت نمی‌گیرد و فرد ریسک‌پذیر دشمن هنجارهای سنتی عمومی تلقی می‌شود. پیامد اصلی این موضوع بی‌انگیزگی و رخوت و رکود ذهنی و عملی و عینی و عدم نیاز به موفقیت و تلاش برای رسیدن به آرزوها و پیشرفت شخصی و اجتماعی است. از منظر مک‌کله‌لند، در جهان سوم فقدان توسعه ناشی از بی‌انگیزگی مردم این کشورها است. از منظر مک‌کله‌لند، نیاز قوی به کسب موفقیت به این امر مربوط می‌شود که چگونه افراد در جهت انجام وظایفشان ترغیب و تشویق می‌شوند. نیاز به موفقیت از نظر مک‌کله‌لند عبارت است از: تمایل به برتری‌طلبی یا توفیق در موقعیت‌هایی که در آن‌ها رقابت وجود دارد. در جامعه مورد تحقیق به‌واقع سطح نیاز به موفقیت و برتری-طلبی در فعالیت اقتصادی بسیار پایین است و این فرهنگ به همراه برخی از عوامل دیگر نظیر ناامنی منطقه، و نبود فرهنگ استفاده از رسانه-های نوین و نبود دگرگونی آموزشی و فرهنگی باعث شده ریسک-پذیری برای مددجویان کمیته امداد به‌طور اخص در جامعه مورد مطالعه بسیار هزینه‌زا باشد و باید توجه کرد که چون حمایت مداوم نیز صورت می‌گیرد عملاً ریسک‌پذیری در این گروه هدف حذف می‌شود.

همچنین مطابق با یافته‌ها اغلب طرح‌های توسعه‌ای دارای پیوست فرهنگی-اجتماعی نیستند و طرح‌های توسعه‌ای بدون در نظر گرفتن پیامدهای اجتماعی-فرهنگی در منطقه اجرا می‌شود که منجر به پیامدهای منفی بر مردم شده یا سطح مقاومت مردم در مقابل طرح-های توسعه‌ای را افزایش می‌دهد در کنار این موضوع باید به تأثیرپذیری فوق‌العاده از رسانه‌های اجتماعی مجازی و عدم استفاده درست از آن‌ها باید نام برد که نشان می‌دهد مردم بومی منطقه و مددجویان هدف تحقیق از ظرفیت‌های چنین رسانه‌هایی برای تحول اجتماعی-اقتصادی و توسعه کسب‌وکار چندان آشنایی ندارند این موضوع سبب می‌شود کارکردهای سرگرمی این رسانه‌ها بیشتر مورد توجه واقع شود.

در نهایت با بررسی نتایج پژوهش حاضر با مطالعات پیشین می‌توان دریافت که نتایج مربوط به علل اجتماعی-فرهنگی توسعه‌نیافتگی با نتایج تحقیقات پیری و همکاران (۱۷)، حسنی و همکاران (۱۸)، دیداری و همکاران (۲۱) و کوک‌هو (۲۲) همسو و سازگار است.

باید گفت اساساً منطقه مورد بررسی از قبل از انقلاب دچار فقر و محرومیت اقتصادی و فرهنگی بوده است و همان‌طور که نتایج نشان داد این منطقه بسیار در قالب‌های سنتی و قوم‌محورانه استوار است؛ یعنی تصمیم‌گیری ریش‌سفید و جمعی بر فرد غلبه دارد طبیعی است این موضوع در دریافت کمک‌های مختلف که برای ریش-سفیدان و طوایف ساکن می‌تواند دارای کارکردهای اساسی باشد چه قوم و طایفه و ریش‌سفیدان بر بازتولید دریافت کمک تأثیر مثبت می‌گذارد و این موضوع فرهنگ وابستگی عمیقی را در بین ساکنین بازتولید می‌کند. اگرچه اغلب پاسخگویان به وجود نوعی روستائینی متمرکز و راه‌های ارتباطی نامناسب نیز اذعان داشته‌اند اما کژ کارکرد اصلی این توسعه‌نیافتگی زیرساختی دورنگه داشتن جامعه محلی از تحولات بیرونی و فناوری است که به نظر می‌رسد همین عامل خود منبع مهمی بر بازتولید فرهنگ سنتی مانع توسعه نیز باشد. اما باید به نکته مهم دیگری نیز اشاره کرد بسیاری از برنامه‌ریزی‌های حمایتی در این منطقه بدون توجه به شناخت روحیات و سلیقه و فرهنگ مردم صورت گرفته است این موضوع باعث شده اغلب طرح‌های توسعه-ای به اجرا درآمده اثربخش نبوده یا اساساً اعتبارات بدون نظارت پخش شود موضوعی که در یافته‌های این بخش نمود عینی بیشتری داشت زمانی که شناخت دقیقی از منطقه وجود ندارد ارائه هرگونه اعتبار یا اجرای هر نوع طرح توسعه‌ای می‌تواند با کمترین اثربخشی همراه باشد. بسیاری از طرح-های توسعه‌ای در منطقه بشاگرد به علت نشناختن فرهنگ مردمی صرفاً بازتولیدکننده فقر بوده است و روند فرهنگ وابستگی را تشدید نموده است. همان‌طور که لوئیس معتقد است در مناطق توسعه‌نیافته فرهنگ فقر به‌انحاء مختلف بازتولید می‌شود و توزیع اعتبارات بدون نظارت و شناخت فرهنگی جامعه صرفاً بازتولیدکننده این فرهنگ است همین موضوع باعث شده است که اغلب دریافت‌کنندگان کمک این منطقه به‌ویژه مددجویان کمیته امداد و حتی سایر ساکنین اغلب در فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی شرکت فعالی نداشته باشند چراکه منافع چندانی را برای شرکت در جامعه متصور نیستند. لوئیس در همین رابطه معتقد است مشخصه اصلی فرهنگ فقر آن شرکت نکردن افراد فقیر در کار مؤسسات عمومی و فرایندهای توسعه به‌عنوان یک عضو جامعه است. این شرکت نکردن امری پیچیده و ناشی از عوامل گوناگون است که از جمله آن‌ها می‌توان نبود منافع و توانایی اقتصادی، جدا نگاه داشتن فقرا، تبعیض، ترس، بدگمانی یا بی‌علاقگی و نبود روش‌های ساده و محدود برای حل مسائل و مشکلات محلی را نام برد. این موضوع ما را به یافته دیگری سوق می‌دهد که مرتبط با این نظر لوئیس است زمانی که افراد در جامعه محلی به‌رغم کمک‌های نهادی حمایتی یا دولتی شرکت نمی‌کنند نمی‌توانند به توانمندی‌های خود اطمینان یابند یا اساساً سطح اعتماد به نفس پایینی دارند. در منطقه مورد مطالعه چون اغلب سیاست‌گذاری‌ها بدون نیازسنجی صورت گرفته است و برای نهادی نظیر کمیته امداد صرفاً ارائه نفس کمک بیشتر از هرگونه توانمندسازی مهم بوده است بنابراین مشاهده می‌شود که در سیاست‌گذاری برای این ناحیه نه تنها رویکرد بلندمدتی دیده نمی‌شود بلکه بسیاری از نهادهای حمایتی از کمیته امداد، ستاد اجرایی امام

- پیشنهاد می‌شود کلیه طرح‌های توسعه‌ای ابتدا بر اساس نیازسنجی واقعی از مردم بومی-محلی در منطقه موردتحقیق و با مشارکت آن‌ها طراحی و اجرا شود.
- پیشنهاد می‌شود کلیه طرح‌های توسعه‌ای به‌ویژه درزمینه طرح-های آموزشی و فرهنگی دارای پیوست فرهنگی اجتماعی باشند.
- پیشنهاد می‌شود با همکاری کمیته امداد یک مجمع همکاری-مشارکتی از سران طوایف منطقه برای هماهنگی بهتر در توسعه محلی و ارائه کمک‌ها تشکیل گردد.
- پیشنهاد می‌شود کمیته امداد زمینه حضور تشکلهای غیردولتی توانمندسازی نظیر سمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی در محیط مورد مطالعه را فراهم سازد.

References

1. Anderson, B. (2010). Indian cultural values and economic development: an exploratory study. *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*. 8(2/3):194-201.
2. Behuria Pritish (2019). The domestic political economy of upgrading in global value chains: how politics shapes pathways for upgrading in Rwanda's coffee sector, *Review of International Political Economy*, DOI: 10.1080/09692290.2019.1625803.
3. Chisadza, C, and Bettencourt, M. (2019). Economic development and democracy: The modernization hypothesis in sub-Saharan Africa. *The Social Science Journal*. 56 (2):243-254.
4. Efimova, E, and Gapochka, A. (2019). Seaports as drivers of regional economic development: The case of Saint Petersburg and Leningrad Province. *Case Studies on Transport Policy*. Available online (2019). In Press, Corrected Proof What are Corrected Proof articles?
5. Porshahabi, Vahid; Yaqoubi, Noor Mohammad; Nadrifar, Alireza (2016). The relationship between democracy and human development in India. *Quarterly Journal of Subcontinental Studies*, 9(31), 27-44.
6. Spiteri, J. and Brockdorff. Ph.D. (2019). Economic development and health outcomes: Evidence from cardiovascular

یا حتی نهادهای غیردولتی بی‌حساب وارد ارائه کمک شده‌اند و حتی به‌رغم ارائه زیرساخت‌های کافی همچنان این فرهنگ وابستگی تشدید شده است. باید گفت از بُعدی دیگری در ارائه کمک یا اجرای طرح‌ها سلیقه‌ای نیز عمل شده است و اغلب ظرفیت‌ها و سرمایه‌های انسانی محلی مورد غفلت و بی‌توجهی عمیقی قرار گرفته‌اند. همان‌طور که در نتایج نیز بیان شد زمانی که مسئولیت اجرای طرحی از بومیان منطقه نباشد طبیعی است سطح اعتماد مردم به اجرای طرح و ماهیت آن کاهش می‌یابد.

مجموعاً بر اساس نتایج به‌دست‌آمده باید گفت که در منطقه مورد مطالعه علی‌رغم از بین رفتن طبقه خان، اضمحلال طبقه رئیس پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌تبع آن تضعیف تدریجی نظام کاستی، این نظام و ارزش‌های سنتی و خرافی آن به‌طور ذاتی در اذهان مددجویان کمیته امداد و سکنه محدوده وجود دارد. این امر به‌نوبه خود مانع مهمی در راه ایجاد تحولات جدید اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود. در منطقه مورد مطالعه سطح سواد پایین است که این امر به‌نوبه خود تشدیدکننده توسعه‌نیافتگی و فقر فرهنگی است؛ و به‌عنوان محدودیتی برای ایجاد تغییرات اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود. همچنین در این ناحیه توسعه همه‌جانبه و یکپارچه اتفاق نیفتاده است سازمان‌های نوین اجتماعی چندان وارد محیط زندگی جامعه مورد مطالعه نشده است و سازمان‌های نوین اجتماعی با رویکرد توانمندسازی و ایجاد تحرک اقتصادی در منطقه، به علت دورافتادگی و انزوای جغرافیایی، شرایط خشن طبیعی، کمبود و ضعف شدید راه‌ها و همچنین شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه، گسترش چندان در سطح بخش نیافته‌اند. بر همین اساس پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- پیشنهاد می‌شود قبل از هرگونه ارائه اعتبار شناخت مؤثری از فرهنگ و سنت‌های ساکنین و گروه‌های هدف دریافت‌کننده اعتبارات به دست آید سپس بر اساس شناخت، توجیه توزیع اعتبار و نظارت و خروجی مورد انتظار اعتبار توزیع شود.
- پیشنهاد می‌شود اعتبارات دولتی یا نهادهای حمایتی با محوریت توسعه زیرساخت‌های فرهنگی-آموزشی از جمله تأسیس مدارس دخترانه و پسرانه و نیز واحدهای دانشگاهی پیام نور یا علمی-کاربردی ارائه شود.
- پیشنهاد می‌شود برای افزایش تحرک در بازار کار کمیته امداد اقدام به آموزش‌های توانمندسازی به‌جای ارائه کمک‌های مستقیم نماید و این آموزش‌ها باهدف تشکیل تعاونی‌های اقتصادی در زمینه‌های مختلف صورت گیرد.
- پیشنهاد می‌شود به‌منظور جلوگیری از موازی کاری در ارائه خدمات و حمایت‌ها یک ستاد فرماندهی یا قرارگاهی به مرکزیت کمیته امداد تشکیل شود که در آن کلیه خدمات آموزشی، کمک-های نقدی-جنسی به‌صورت هدفمند ارائه شود.
- پیشنهاد می‌شود کمیته امداد با برگزاری دوره‌های آموزشی توانمندسازی با محوریت راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک و بازاریابی محصولات در فضای مجازی و آشنایی با ظرفیت‌های رسانه‌های اجتماعی در ارائه کالاها مددجویان را به سمت خوداشتغالی و کارآفرینی فردی یا جمعی سوق دهد.

development of society, the first national conference of Islamic sciences of law and management, Qom, Qom Governorate University of Applied Sciences.

17. Old age, Rozhan; Karampour, Rosa; Kafashi, Majid (2018). Investigating the social barriers to development in Ilam province with the grounded theory method. *Social Development*, 13(3), 163-196.

18. Hosni, Vahid; Reza Al-Hayari and Deshiri, Majid (2018). Underdevelopment caused by cultural delay resulting from marginalization in cities, *Journal of Applied Studies in Management and Development Sciences* 4 (15).

19. Ahmadi, Vakil and Zila Qazvineh (2017). The role of historical political and social processes in the economic underdevelopment of Kermanshah Province, National Conference on Sustainable Development of Kermanshah Province, Kermanshah, Raz University.

20. Catherine E. Arthur (2018). The Struggle Continues: Peace and Prosperity, Democratic Values and Development in Political Party Flags. *Political Symbols and National Identity in Timor-Leste* pp 171-201.

21. Didari, Chenor; Mohseni Reza Ali and Bahrani Mohammad Hossein (2017). Investigating factors affecting the underdevelopment of Kurdistan province with an emphasis on cultural development, *Social Development and Welfare Planning Quarterly* 10 (37).

22. Kuok Ho, Daniel Tang. (2020). Anticipations for and Perceived Barriers of Development among the Sarawak's Highlanders. *Pertanika Journal of Social Science and Humanities*. 28. 1507-1524.

disease mortality in Europe. *Social Science & Medicine*. 24:37-44.

7. Mohammadi, Mohammad Karim; Abol-Fathi, Muhammad (2014). Pathology of the relationship between political culture and political development in Iran. *Political Science Quarterly*, 11(33), 33-56.

8. Acemoglu D., Johnson S., Robinson J.A., (2001). The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation. *The American Economic Review*. December 2001.

9. Aghion P., Armendáriz B., (2004). A New Growth Approach to Poverty Alleviation. Mimeo Harvard University.

10. Banerjee A.V., Duflo E., (2008). The Experimental Approach to Development Economics, Massachusetts Institute of Technology, Department of Economics. Mimeo. September 2008. <http://econ-www.mit.edu/files/3158>.

11. Jhingan, M. L. (2007) *the Economics of Development and Planning*. Delhi: Vrinda Publications (P) Ltd.

12. Skousen, M. (2007). *The big three in economics: Adam Smith, Karl Marx and John Maynard Keynes*. New York: ME Sharpe Inc.

13. Bellone, Amy and Roberts, J. Timmons. (2007). "Development and Globalization: Recurring Themes." In: J. Timmons Roberts and Amy Bellone Hite (eds.) *the Globalization and Development Reader*. Oxford: Blackwell.

14. Beugelsdijk S, Mariko J. Klasing, P. (2017). Value Diversity and Regional Economic Development. *The Scandinavian Journal of Economics*. 121(1):153-181.

15. Moderi, Fatemeh (2017). Different types of family values and their social economic correlates in Tehran. *Applied Sociology*, 29(1), 147-166.

16. Moradanjadsarai, Solmaz; Majid Tavasli Ruknabadi; Seyed Mustafa Abtahi and Ali Ashraf Nazari. (2016), *the role of political culture in the political*